

در سال نو با « شیطان سفید » چه خواهید کرد ؟

اعدام مجازاتی است که در ماده ۴ قانون منع کشت خشخاش برای کسانی که دو بار مرتکب جرم ساختن و یا وارد کردن مواد مخدر گردند پیش بینی شده و حبس موقت با اعمال شاقه از پنج تا پانزده سال در همان ماده سهم کسانی است که فقط یکبار این مواد را بسازند و یا از خارج وارد مملکت کنند. ولی با وجود چنین مجازات های سنگینی در گزارش اقدامات یکساله وزارت بهداشتی که در شماره ۲۵ دیماه سال جاری روزنامه اطلاعات درج شده در قسمت مربوط به مبارزه علیه مواد مخدره نوشته شده است :

« با همکاری ارتش و ژاندارمری سال گذشته وزارت بهداشتی موفق شد متجاوز از ده تن تریاک بیست کیلو هروئین و ۶۰ کیلو حشیش کشف و ضبط نماید. در مبارزه با مواد مخدر ۴۰۰ دستگاه آلات و ادوات استعمال مواد افیونی و ۱۰ دستگاه هروئین سازی کشف گردید و ۹۹۱۹ پرونده در مورد مواد مخدر بمراجع قضائی ارسال شد و ضمناً ۶۲ معتاد تحت درمان قرار گرفتند. مختصر تعمق و مطالعه روی این ارقام نشان میدهد که اجتماع ما با چه حقیقت تلخی روبروست و تازه این رقمی است که کشف شده و مأمورین از وجود آن اطلاع پیدا کرده اند و اگر امکان داشت مقداری را هم که دور از چشم مأمورین در میان معتادین توزیع کرده اند بآن اضافه کرد آنوقت معلوم میشد که این سم مهلک تا چه میزان در مملکت ما بازار فروش دارد.

در اینجا سؤالی که پیش می آید این است که چرا در مملکتی که مرتکبین باین جرم حتی با اعدام هم تهدید شده اند عده ای حاضرند با استقبال مرگ بروند و یا لااقل سالهای متمادی در گوشه زندان بمانند و هستی آنان بعنوان پرداخت جریمه از بین برود ولی دست از این کار پلید نکشند ؟

تصور می رود جواب این چرا و دهها و صدها چراهای دیگر را که ممکن

است در اذهان عمومی باشد و بگوش برسد آقای دکتر عاملی وزیر دادگستری در جلسه رسمی مجلس سنا داده باشند.

آقای دکتر عاملی در جلسه روز شنبه نهم بهمن ماه مجلس سنا در پاسخ سؤال یکی از سناتورها چنین گفتند :

« تعداد زندانیان مواد مخدره زیاد و قابل ملاحظه است و هم اکنون مقدار زیادی از وقت مراجع قضائی صرف رسیدگی باین قبیل پرونده‌ها میشود و طبعاً این فکر در وزارت دادگستری و سایر مقامات مسؤل پیدا شده است که برای این مشکل چاره اندیشی شود. ضمن اجرای قانون منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸ در مراجع انتظامی و همچنین قضائی این فکر بوجود آمده که تنها تعقیب و محکومیت مرتکبین درجه دوم یعنی کسانی که ندانسته و یا از روی بی‌اطلاعی و عدم آگاهی بمجازات قانونی و احیاناً از روی استیصال باعمال خلاف قانون مبادرت مینمایند نه تنها منظور قانونگذاری را تأمین مینمایند بلکه سبب میشود که بیشتر وقت مراجع قضائی و انتظامی صرف تعقیب و دستگیری و محاکمه این افراد شود. و زندانها نیز بیش از ظرفیت خود از این قبیل متهمین و یا محکومین را جای دهند در نتیجه خانواده‌های زیادی سرگردان و پریشان میشوند که آثار و عواقب آن نیز برای جامعه قابل ملاحظه و تأمل است و نمیتوان آنرا نادیده گرفت. تحت تأثیر همین مشکلات است که اینجانب از ابتدای تصدی خود دائماً و لاینقطع با تماس با قضات مجرب در این امر و جلب نظر مقامات مسؤل دیگر از قبیل وزارت بهداشتی و سازمانهای انتظامی کلیه جوانب و جهات این مشکل را مورد بررسی قرار داده‌ام. هدف تماسی این مطالعات و بررسی‌ها تعقیب گردانندگان اصلی و کسانی است که مبادرت به وارد کردن و یا ساختن مواد مخدره در داخله کشور مینمایند تا با قطع ریشه فساد اینهمه افراد و ایادی و عوامل درجه دوم فریب اقوای گردانندگان اصلی را بخاطر منافع کوچک احتمالی نخورده و خودشان پریشان و درمانده نگردند. از طرف دیگر بوسیله انجمن حمایت زندانیان اقدامات وسیعی برای کمک به خانواده همه زندانیان بعمل میآید تا آنکه وسیله اسرار معاش نداشته و یا نیاز بمدهای دیگر از قبیل تهیه کار و یا بیمارستان دارند مورد حمایت قرار گیرند و البته باید توجه داشت که امکانات انجمن حمایت زندانیان نامحدود نیست و با وجود فعالیتهای نوع دوستانه‌ای که از طرف کارکنان انجمن حمایت زندانیان در مرکز و یا

انجمنهای مشابه در شهرستانها بعمل میآید این عطوفت و مدد نمیتواند همه خانوادهها را در برگیرد چه آنکه غالب محکومین مواد مخدره و مرتکبین از کسانی هستند که بعلت احتیاج فریب گردانندگان اصلی را خورده و بوعدههای آنان دائر بحمايت خانوادههایشان در صورت دستگیری آزادی خویش و امنیت خانواده را بخطر میاندازند. تدبیری که اندیشیده شده و در آخرین لایحه که اینجانب بمجلس تقدیم کرده‌ام و تحت مطالعه قوه مقننه است عدد . . . ریال به . . . ریال افزایش داده شده است تا هم وضع اقتصادی کشور متناسب گردیده و هم از طولانی شدن مدت زندانی افراد بی بضاعت بکاهد. بنده مخصوصاً از توجه سناتور محترم باین مسئله مهم نهایت امتنان و تشکر را دارم و امیدوارم با عنایات نمایندگان محترم نه تنها از طریق تجدید نظر در قوانین موجود بلکه با برانگیختن وسائل تازه و راه و روش های مؤثر بتوانیم ریشه این فساد اجتماعی را از بیخ و بن برافکنیم و تردیدی ندارم که با روحیه تازه‌ای که ناشی از انقلاب عظیم شاه و ملت در همه مقامات مسئول پیدا گردیده است توفیق کامل در اینراه نیز حاصل گردد و وزارت دادگستری و مراجع قانونی آن بتوانند با فراغت از این مشکل که مانع بزرگ سرعت دادرسی در مراجع جزائی میباشد تحرك بیشتری در انجام وظائف دیگر قانونی خود بوجود آورند و رضایت مراجعین را بیش از پیش جلب نمایند. «

جان کلام در همینجاست و جواب چرا در همین توضیحی است که آقای وزیر دادگستری در مجلس سنا داده‌اند ایشان در حالیکه بالصراحه اعلام کردند که تعداد زندانیان مواد مخدره زیاد و قابل ملاحظه است در جای دیگر سخنان خود افزوده‌اند که هنوز مطالعه ادامه دارد تا دستگاههای مسئول در آتیه برای تعقیب گردانندگان اصلی و مجازات آنان جنبشی کنند والا این تعداد زندانی در زندانهای کشور از قماش کسانی هستند که در جرگه « گردانندگان اصلی » نیستند و بهمین جهت گرفتار پنجه عدالت شده‌اند!

بعبارت ساده‌تر ماده ۴ قانون منع کشت خشخاش از سال ۱۳۳۸ تا بحال چیزی شبیه « وزن شعر » بوده و هدف از تصویب قانون فقط همان اغواشدگان و بفرمایش آقای وزیر دادگستری افراد و ایادی و عوامل دوم هستند که باید خودشان دچار بند زندان و خانواده‌شان درمانده و پریشان باشند. دستگاه تعقیب یا نخواسته یا نتوانسته گریبان کسانی را که بخاطر سودجوئی و شاید هم اجرای سیاستهای

پلیدی داس مرگ بدست گرفته وهستی جوانان این مملکت را درو میکنند بگیرد و لااقل همراه عوامل درجه دوم تحویل سلولهای زندانشان سازد و این نخواستن و یا نتوانستن تاچه زمانی باین گرگ های اجتماع اجازه تبه کاری خواهد دادامری است که امکان پاسخ دادن بآن هنوز فراهم نشده است! درحالیکه همه روزه گروههای کثیری از جوانان بی اطلاع خانواده ها را از راه منزل و مدرسه منحرف ساخته و بجاده مرگ ونیستی هدایتشان میکنند وماده ۷ قانون منع کشت خشخاش نیز با مجازات اعدام وپانزده سال حبس با اعمال شاقه همچنان ناظر بر این تراژدی است! واگر قرار باشد پاسخ قانع کننده ای باین سؤال که چرا طی این چند سال کسی پیدا نشده که مشمول ماده ۷ این قانون قرار گیرد داده شود این خواهد بود که اینهمه مواد افیونی ومخدر وبخصوص هروئین بخودی خود در دست عوامل دست دوم ومصرف کننده قرار گرفته واصولا وارد کننده ویا سازنده ای نداشته است!!

بهرحال خدا کند مسئولین امور با این اعلام خطری که وزیر داد گستری کرد از خواب بیدار شوند و قدری بخود آیند و در سال آینده مبارزه واقعی را با این شیطان سفید که در نابودی خانواده ها بیداد میکند آغاز کنند. مسئولین امور باید به خاطر داشته باشند که این اعلام خطر در حقیقت اعلام خطر خانواده های ایرانی درباره جلوگیری از این جنایت است جنایتی که فقیر و غنی نمیشناسد وهر کس را در سر راه خود ببیند به کام خویش میکشد. چون اگر وضع بهمین منوال باشد وما همچنان شاهد وناظر غوطه ور شدن جوانانی از طبقات مختلف مملکت در این منجلاب فساد باشیم دیری نخواهد گذشت که این بلای خانمانسوز دامنگیر خانواده همان کسانی خواهد شد که امروز قدرت مبارزه را دارند ولی دست از روی دست بر نمیدارند وتماشای میکنند!